

بررسی تصاویر نظامی گنجوی در بیان طلوع و غروب خورشید در منظومه‌ی «خسرو و شیرین»

زینب باقری

دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک، z93.bagheri@gmail.com

چکیده:

در میان شاعران کهن زبان فارسی، نظامی گنجوی بیش از دیگران عنصر خیال را برای به تصویر کشاندن ادراکات خود در اختیار گرفته است. این مقاله کوشیده است، به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی به تصویر پردازی نظامی از برآمدن و فرو رفتن خورشید در بامداد و شامگاه بپردازد و ویژگی‌های بارز این تصورات شاعرانه را در شعر وی واکاوی نماید. نتایج نشان می‌دهند که او اغلب با موضوع طلوع و غروب خورشید با بسامد بالا و تراکم فراوان، تصویر خلق کرده است. در این میان استعاره بزرگترین دستاویز او برای تصویرپردازی است. نظامی در این راه اغلب عناصر محسوس و عینی را به خدمت گرفته است و در همان حال به معنای نمادین واژه‌ها نیز توجه داشته و سعی کرده آن‌ها را با بخش‌هایی از داستان مرتبط سازد.

واژه‌های کلیدی: نظامی، طلوع و غروب، تصویرپردازی، استعاره

۱- مقدمه:

یکی از زیباترین جلوه‌های عالم هستی، طلوع و غروب خورشید است. معجونی شگفت‌انگیز از نور و رنگ که همواره و در هر عصری انسان را مسحور خود ساخته است. تاثیر این جاذبه جادویی طبیعت در شعر و کلام شاعران و نویسندگان در همه‌ی اعصار به خوبی آشکار است.

نظامی یکی از تصویرسازترین شاعران ایران در سده‌های گذشته است. (ثروتیان، ۱۳۸۵: ۱۸۲) تراکم تصویر در شعر نظامی ویژگی سبکی خاصی به اشعار او بخشیده است. (صفا، ۱۳۷۳: ۳۱۸/۱) یکی از پرکاربردترین مضامین برای تصویرسازی وی صحنه‌ی «طلوع و غروب خورشید» است. این مقاله قصد دارد با بررسی اشعار نظامی به نگاه شیفته‌وار این شاعر توانا به پدیده‌ی طبیعی «برآمدن و فرورفتن خورشید» در بامداد و شامگاه بپردازد و میزان توانمندی او را در ترسیم این جلوه‌ی زیبای طبیعت بسنجد.

طبیعی است پرداختن به چنین موضوعی در همه‌ی اشعار نظامی به دشواری صورت می‌بندد، لذا نگارنده کوشیده است، در این میان تنها به بررسی موضوع طلوع و غروب خورشید در کتاب «خسرو و شیرین» بپردازد و با محدود کردن حیطه‌ی بررسی به نتایج دقیق-تری برسد.

۲- پیشینه‌ی تحقیق:

۳- بحث و بررسی:

شعر فارسی در قرن‌های نخستین، شعری طبیعت‌گراست. (شمیسا، ۱۳۷۴: ۷۱) این دوره سرشار از مضامینی الهام گرفته از طبیعت است. به گونه‌ای که توجه شاعران به طبیعت باعث به وجود آمدن ویژگی سبکی خاصی در این دوره شده است. آن‌ها غالباً از نظر فکری با بیرون پدیده‌ها و سطح اشیاء و امور حسی سروکار دارند. برون‌گرا و آفاقی هستند و وارد عوالم درونی و باطنی انسان نمی‌گردند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۳۱۷)

بی‌گمان بالا آمدن خورشید از پشت کوه‌ها و تپه‌ها یکی از زیباترین مناظری است که در طول قرون متمادی توجه انسان را به خود جلب کرده است. این منظره و همچنین منظره‌ی غروب خورشید چنان التذادی در شاعران ایجاد نموده است که همواره تحت تاثیر این زیبایی خارق‌العاده، اشعاری دلنشین خلق نموده‌اند و احساس خود را از دیدن این مناظر زیبای طبیعی در شعر خود منعکس نموده‌اند. در ادبیات فارسی تعبیرات مختلفی در بیان رفتن آمدن شب و روز، طلوع خورشید و غروب خورشید و امثال این وجود دارد که در هر مورد ادای این معانی واحد به طرق مختلف مبین تفاوت سبکی شاعران است.

نظامی از آن دسته از شاعران صورت‌گر و تواناست که با قدرت تصویرپردازی شگفت‌انگیزش باید او را به حق یکی تصویرسازترین شاعران ادبیات فارسی دانست. نگاه او به پدیده‌های طبیعی سرشار از تنوع و جلوه‌های بدیع است. به گونه‌ای که با تکرار وصف منظره‌ها